

همی در معنای دیگر

چکیده

نویسنده با استناد به متون کهن فارسی، این نکته را مطرح کرده است که «همی» همواره معنای استمراری ندارد و گاهی در نقش قیدی و به معنای «ناگهان» به کار رفته است.

کلید واژه‌ها:

دستور تاریخی، ماضی استمراری، همی، قید، ناگهان.

در مبحث دستور تاریخی از کتاب زبان فارسی ۳ (رشته‌ی ادبیات و علوم انسانی) آمده است که یکی از شیوه‌های ساخت فعل ماضی استمراری در قدیم به صورت زیر بوده است: «همی + ماضی ساده

هم چنین بانگ همی کرد و حلوا همی ستد (قابوس‌نامه). شبلی در ایشان همی نگریست (قابوس‌نامه). همی گرد رزم اندر آمد به ابر (شاهنامه).

(زبان فارسی سال سوم انسانی، ۱۳۷۸، ص ۱۶۹) اگر در مثال‌های یاد شده دقت کنیم، درمی‌یابیم که «همی» به دو گونه است:

الف - گونه‌ای که در آن، بین «همی» و فعل فاصله‌ای نیست؛ ب - گونه‌ای که در آن، بین «همی» و فعل، یک یا چند کلمه فاصله است.

مثال دیگر برای گونه‌ی دوم: «همی خاک نعلش برآمد به ماه» (زبان و ادبیات فارسی عمومی پیش‌دانشگاهی، ۱۳۸۲، ص ۳۲) در بادی امر چنین به نظر می‌رسد که این فاصله به ضرورت شعری پدید آمده است؛ در حالی که با مراجعه به متون کهن فارسی پی می‌بریم که همواره چنین ضرورتی مطرح نیست. در تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری، مشهور به سوراآبادی، چنین آمده است: «همی خالد ولید از آن لشکر بیرون زد با پنجاه سوار مبارز» (ترجمه و قصه‌های قرآن، ج ۱، ص ۱۱۷، سطر ۵) باید توجه داشت که «همی» در این جا به معنای غیر استمراری و در نقش قیدی، به معنای «ناگهان» به کار رفته است

که نظایر آن در همین متون و برخی متون دیگر دیده می‌شود. (کتاب ماه ادبیات، ش ۵، ۱۳۸۶، ص ۹۱) نمونه‌های دیگر از همان تفسیر کهن: «سنگ فرا جنبیدن آمد؛ آن‌گه فرا نالیدن آمد، چنان که زن نه ماه آیستن که او را درد طلق بگیرد، همی آن سنگ به دو نیم باز شکافت.» (ترجمه و قصه‌های قرآن، ج ۱، ص ۲۷۷) گویاترین شاهد، در ترجمه‌ی این آیه از داستان حضرت موسی (ع) دیده می‌شود:

«فألقي عصاه فإذا همي ثعبان مبین»

(قرآن کریم، سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۰۷) «بیوگند عصای خود را، همی آن اژدهایی بود پیدا و هویدا.» (ترجمه و قصه‌های قرآن، ج ۱، ص ۲۵۵) شادروان الهی قمشه‌ای همین آیه را چنین ترجمه کرده است: «موسی عصای خود را افکند؛ به ناگاه از آن عصا اژدهایی پدیدار گردید.»

از مقایسه‌ی این دو ترجمه درمی‌یابیم که عتیق نیشابوری، واژه‌ی «همی» را به جای «اذای فجائیه» به کار برده و مرحوم الهی قمشه‌ای کلمه‌ی «به ناگاه» را به جای آن آورده است. نمونه‌هایی از متون دیگر:

«دست بیرون آورد از بغل گاه هوازی همی نوری از وی پدید آمد که همه نگرندگان بدیدند آن را.»

(چند برگ تفسیر قرآن عظیم، ص ۷) «پس همی شبی از شب‌ها ایزد تعالی آن قوم را که ماهی گرفته بود، کپیان (=بوزینگان) گردانید.»

(تفسیر قرآن پاک، ص ۱۰) پس، با عنایت به مطالب ذکر شده و با توجه به فضای سخن در ایات مورد نظر از شاهنامه، که حال و هوای مبالغه و اغراق دارد، «همی» در مصراع‌های منقول از داستان «رستم و اشکبوس» و نیز «گذر سیاوش از آتش» در نقش قیدی و به معنای «ناگهان» یا «به ناگاه» به کار رفته است و معنای غیراستمراری دارد؛ در نتیجه، باید آن را واژه‌ای مستقل به‌شمار آورد.

علی اصغر فیروزنیا
کارشناس ارشد
زبان و ادب فارسی،
دبیر مراکز
پیش‌دانشگاهی
بجنورد،
مدرس مراکز تربیت
معلم و دانشگاه آزاد
بجنورد